

نقش مطبوعات در بسیج اجتماعی از ۱۳۵۷-۱۳۸۴

علی اصغر کیا*

جعفر حسین پور**

چکیده

استدلال اصلی نوشتار حاضر این است که فضای فعالیت رسانه‌ای (در این پژوهش، مطبوعات مد نظر است)، به‌عنوان یکی از اضلاع سه‌گانه بسیج اجتماعی، در کنار رشد شهرنشینی و سواد، رفته‌رفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی بهبود یافته است و در میانه دهه ۷۰، با رشد سریع سواد عمومی و عالی به همراه شهرنشینی و افزایش تقاضا برای آزادی‌های سیاسی، فضای فعالیت مطبوعاتی نیز رشد مطلوبی یافته است. یکی از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی، بسیج اجتماعی است؛ به عبارتی، بسیج اجتماعی اغلب زیرساخت‌های توسعه سیاسی را دربرمی‌گیرد. همچنین، به نوعی زیربنای روند توسعه است. بسیج اجتماعی نتیجه رابطه میان سطح شهرنشینی، سطح سواد و آموزش و فضای فعالیت رسانه‌ای و نشر اطلاعات است. این سه متغیر به‌عنوان عوامل به‌هم‌وابسته، با رشد خود به فرآیند مشارکت سیاسی کمک کرده و توسعه سیاسی را موجب می‌گردند.

کلیدواژه‌ها: بسیج اجتماعی، مطبوعات، دوره عدالت اجتماعی، دوره سازندگی، دوره اصلاحات.

۱. مقدمه

یکی از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی بسیج اجتماعی است. به عبارتی، بسیج اجتماعی اغلب زیرساخت‌های توسعه سیاسی را دربرمی‌گیرد و به نوعی زیربنای روند توسعه است.

* دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) keya@atu.ac.ir

** استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه علوم انتظامی amirhosin29@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱

بسیج اجتماعی نتیجه رابطه میان سطح شهرنشینی، سطح سواد و آموزش و فضای فعالیت رسانه‌ای و نشر اطلاعات است. این سه متغیر به‌عنوان عوامل به‌هم‌وابسته، با رشد خود به فرآیند مشارکت سیاسی کمک کرده و توسعه سیاسی را موجب می‌گردند. اهمیت این مؤلفه از آنجا ناشی می‌شود که برنامه‌ریزی مناسب دولت‌ها درباره زیرشاخه‌های بسیج اجتماعی یعنی شهرنشینی، سواد و فعالیت رسانه‌ای و برقراری ارتباط منطقی میان این سه عنصر، یک بسیج اجتماعی را از نوع توده‌ای به مدنی مبدل ساخته و زیرساخت‌های توسعه سیاسی را بر اساس حقوق شهروندی با حضور شهروندانی آگاه، برخوردار از سطح سواد مطلوب و قانون‌مدار فراهم کند. بر این اساس، در آغاز این پژوهش باید مفهوم بسیج اجتماعی به‌خوبی واکاوی و تبیین شود.

۲. بسیج اجتماعی

بسیج اجتماعی واژه‌ای است که کارل دویچ (Karl Deutsch) نخستین‌بار آن را مطرح کرد و به معنای یک جریان همه‌جانبه تغییر و تحول در جامعه است. این تغییرات در جنبه‌های گوناگون زندگی به وقوع می‌پیوندد.

در واقع، بسیج اجتماعی به معنای جدایی از تعهدات گذشته و راه‌های سنتی زندگی و حرکت به طرف وضعیت جدید، الگوهای جدید رفتاری و تعهدات جدید است. در نگاه نظریه‌پردازان بسیج، افزایش مشارکت سیاسی به بهبود روند بسیج اجتماعی بستگی دارد (مصفا، ۱۳۷۴: ۳۷).

بسیج اجتماعی دربرگیرنده تغییراتی در محل سکونت، شغل، موقعیت اجتماعی، محیط‌های کار، نهادها، نقش‌ها، توقعات، عادت‌ها، نیازها و تصویرهای نو از هویت فردی و شخصی است. بنابراین، روند بسیج اجتماعی متضمن دو مرحله است:

- جداشدن از روش‌ها، عادت‌ها، تعهدات و الگوهای قدیمی؛

- پذیرش الگوهای جدید.

به نفع طبقه حاکم است که روند بسیج اجتماعی را در اختیار داشته باشد، زیرا بسیج اجتماعی به گسترش قشرهای از لحاظ سیاسی هم‌بسته می‌انجامد. روند سیاسی بسیج، شمار روبه‌رشد شهرنشینان، مزدگیران، استفاده‌کنندگان از رسانه‌ها و توسعه سواد در شهر و روستا را دربرمی‌گیرد. افزایش شمار این افراد فشارهایی را برای تغییر روش‌ها و نهادهای

سیاسی به وجود می‌آورد. اگر حکومتی نتواند از عهده انجام مطلوب روند بسیج اجتماعی برآید، احتمال دارد بخش فزاینده‌ای از جمعیت از آن بیگانه شده و از نظام سیاسی رویگردان گردد. بنابراین، توانایی‌های حکومت، پایه و اساس قبول عمومی نظام حاکم در روند بسیج اجتماعی را تشکیل می‌دهد (عالم، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۳۲).

۳. نظریات بسیج اجتماعی

در این قسمت، نظریات کارل دویچ و دانیل لرنر (Daniel Lerner) در مقوله بسیج اجتماعی ارائه می‌گردد. نظریات این دو، از دسته نظریات کلاسیک و مهم در این زمینه است که به شرح زیر بیان می‌شود.

۱.۳ کارل دویچ

دویچ مسئله توسعه سیاسی را با شماری از شاخص‌های ناظر بر تحولات محیط نظام سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر او، دگرگونی به مثابه محصول بی‌واسطه تحولات اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه اثر مورد انتظار روند بسیج محسوب می‌شود. به نظر دویچ، خود بسیج نتیجه تحولات اقتصادی و اجتماعی است.

نظریه بسیج اجتماعی در این معنای خاص، برای تمامی عوامل ارتباطی (شهرنشینی، رسانه‌ها، آموزش، اشتغال و ...) نقشی اساسی در جهت تحقق آثار سیاسی توسعه قائل است. به نظر دویچ، بسیج عملی است که نوسازی کارآمد یک جامعه را تضمین می‌کند و در همان حال شاخص وضعیتی است که مردم در گذار از زندگی سنتی به زندگی مدرن تجربه می‌کنند.

دویچ برای اینکه قادر باشد روند بسیج یک جامعه را تجزیه و تحلیل کند، از چهار شاخص استفاده می‌کند که عبارت‌اند از:

- شاخص اقتصادی: مانند میزان درآمد، میزان جمعیت شاغل در بخش‌های مختلف؛
- شاخص فرهنگی: مانند رفتن به سینما، خرید روزنامه؛
- شاخص اجتماعی: مانند میزان شهرنشینی، سطح سواد؛
- شاخص سیاسی: مانند مشارکت در انتخابات، فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی

و صنفی.

بر اساس نظریه دویچ، رابطه مهمی بین این شاخص‌های متفاوت وجود دارد، زیرا بسیج اجتماعی به‌عنوان روند همبسته در نظر گرفته می‌شود. در عین حال، نخستین مرحله توسعه ممکن است حالتی استثنایی داشته باشد. تقاضاهایی که از نظام می‌شود مانند مشارکت سیاسی، آزادی رسانه‌ها و بهبود وضعیت سواد و آموزش، ممکن است از توانایی‌های پاسخ‌دهی نظام مانند سطح درآمد و توزیع مشاغل بین بخش‌ها سریع‌تر رشد کند. این بی‌تعادلی اهمیت خاصی دارد، زیرا ممکن است به بحران‌های توسعه، مشکلات و تنش‌هایی بینجامد که عملکرد جامعه در حال گذار را دشوار سازد. روند بسیج اجتماعی مورد نظر دویچ، به مطالعه سطح توسعه به‌وسیله نظام سیاسی کمک می‌کند و نقاط ضعف نظام سیاسی در پاسخ‌گویی به تقاضاها را نشان می‌دهد (بدیع، ۱۳۸۴: ۴۰-۳۶).

۲.۳ دانیل لرنر

لرنر نیز مطالعه توسعه را با توسل به شیوه‌هایی نزدیک به دویچ پیشنهاد می‌کند. او به این منظور، به مطالعه شش کشور خاورمیانه می‌پردازد و ارتباط متغیرهای اجتماعی مانند سکونت، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سن و مذهب را با استفاده از رسانه‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی سنجیده است. وی با استفاده از داده‌های حاصل، نظریه خود مبنی بر تکامل توسعه و رشد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را مطرح کرده است. او در مطالعات خود در مورد هفتادوسه کشور، مدلی ساخته و روند بسیج اجتماعی را نشان داده است.

۴. وضعیت فضای فعالیت مطبوعاتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

مطبوعات یکی از مهم‌ترین انواع وسایل ارتباط جمعی هستند. مطبوعات به‌عنوان گونه نوشتاری وسایل ارتباط جمعی به علت ماندگاری از یک‌سو و سادگی تکنولوژی و امکانات مادی انتشار از سوی دیگر، در مقابل تلویزیون و رادیو، بیشتر مورد استفاده گروه‌ها، احزاب سیاسی و سازمان‌ها قرار می‌گیرند. در واقع، گروه‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون، از مطبوعات برای بیان عقاید، نظرها و گرایش‌های خود استفاده کرده و به تبلیغ ارزش‌های خود می‌پردازند. این عقاید و نظرها ممکن است در راستای حمایت از نظام حاکم باشد یا در جهت انتقاد از آن (فراهانی، ۱۳۸۳: ۱۳۹). مطبوعات عموماً در تکوین افکار عمومی بسیار مؤثرند و برای نشان دادن اهمیت سیاسی

مطبوعات، از آن به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می شود (دوورژه، ۱۳۸۲: ۱۸۳). به گفته دوورژه «پیدایش مطبوعات در سده گذشته در توسعه دموکراسی سهم فراوانی داشته است».

مطبوعات حکومت را قادر می سازد تا تماس با مردم را حفظ کنند و انتقادهای و پیشنهادهایی را برای بهبود امور عرضه دارند. مطبوعات نه تنها شکایات عمومی را از فیلتر می گذرانند، بلکه می کوشند احساسات و نظرهای مردم را آن طور که می فهمند منعکس کنند. با در نظر داشتن نقش مهم آنها در شکل گیری افکار عمومی است که وجود مطبوعات آزاد برای موفقیت حکومت های مردم سالار امری ضروری است (همان: ۳۷۰).

با این تفاسیر، می توان گفت کارکرد مثبت مطبوعات در توسعه فکری و ایجاد پویایی در جامعه است که این امر نیز فقط از رهگذر انتقال و بیان واقعیت های جامعه و روشنگری اذهان عمومی تحقق می یابد.

۱.۴ وضعیت مطبوعات دوره عدالت اجتماعی (۱۳۵۷ - ۱۳۶۸)

با پیروزی انقلاب اسلامی و گشایش در فضای سیاسی کشور، به یکباره روزنامه های متعددی در کشور متولد شد، به طوری که در دو ماه آغازین انقلاب اسلامی، ۴۳ روزنامه منتشر شد. این وضعیت تا زمان تثبیت نظام در ۱۳۶۰ ادامه داشت، به گونه ای که از بهمن ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۵۹، حدود ۲۵۳ روزنامه منتشر شد. احزاب، گروه ها، انجمن ها و افراد این روزنامه ها را انتشار می دادند. برخی از آنها در واقع دوره جدید روزنامه هایی بودند که در سال های گذشته توقیف شده بودند و ناشران آنها به انتشار شماره اول دوره جدید دست می زدند و برخی نیز نخستین تجربه انتشار روزنامه را می آزمودند. انتشار بسیاری از این روزنامه ها پس از چند شماره به دلایل گوناگون متوقف گردید. تیراژ این روزنامه ها معمولاً پایین بود و خارج از شبکه توزیع روزنامه های پرتیراژ به صورت محدودی عرضه می شدند (عالم، ۱۳۸۵: ۳۶۹).

در واقع، فضای باز سیاسی و به شدت مغشوش ماه های آغازین انقلاب، فرصتی را برای گروه های مختلف فراهم کرده بود تا در قالب روزنامه ها، عقاید و آرای خود را به جامعه عرضه کنند. روزنامه ها در این دوران بیشتر مطالب خود را به بازنویسی تاریخ معاصر به ویژه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، افشای رژیم پهلوی، درس های عقیدتی و ایدئولوژیک، انتقاد از

اقدامات و برنامه‌های دولت موقت، مقابله با ایدئولوژی‌های گروه‌های رقیب و انتقاد از امریکا، شوروی و اسرائیل اختصاص داده بودند (محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۲۳۱-۲۴۰).

سال ۱۳۵۸ اوج انتشار نشریات تجدیدچاپ‌شده بود. در این سال، بیست روزنامه و نشریه که قبلاً منتشر می‌شدند، دوباره قدم به عرصه مطبوعات گذاشتند. البته، در مرداد آن سال نیز به یکباره قریب به ۲۲ روزنامه و مجله توقیف شد که تعدادی از این نشریات مربوط به سازمان‌ها و احزاب سیاسی بودند؛ مانند کار، بیکار، مردم، کارگر، امید ایران، تهران مصور، آزاد، گزارش روز و ...

وضعیت مطبوعات در این دوره حدوداً دو ساله دارای چند ویژگی اصلی است: نخست، ظهور نشریات حزبی که به میزان بسیار فراوان دیده می‌شود. این فراوانی ناشی از تحولات انقلاب است که در این زمینه می‌توان نشریات کار، جمهوری اسلامی، میزان، مجاهد، بیکار و امت را نام برد؛ دومین ویژگی، حذف نظام امتیازدهی و امتیازگیری برای انتشار مطبوعات است. در این دوره، اخذ مجوز کارکرد خود را از دست داد و مطبوعات به صورت نانوشته‌ای وارد مرحله انتشار آزاد و بدون مجوز می‌شوند؛ ویژگی سوم، تعلق بسیاری از نشریات به جریان‌های سیاسی و احزاب است. حتی، نشریات غیرحزبی و غیررگانی هم وابستگی‌هایی دارند؛ چهارمین ویژگی، فقدان نظارت حرفه‌ای از سوی اتحادیه روزنامه‌نگاران ایران است؛ ویژگی پنجم، کارآیی نداشتن قانون مطبوعات است. این قانون در شورای انقلاب در سال ۱۳۵۷ تدوین شد، اما در عمل کارآیی نداشت؛ ششمین ویژگی، نداشتن شناسنامه قانونی اکثریت مطبوعات بود. در واقع، اندک نشریه‌ای یافت می‌شد که نام مدیرمسئول، سردبیر و ... در آن وجود داشته باشد؛ هفتمین مورد، فعالیت گسترده نشریات دولتی و شبه‌دولتی مانند کیهان و اطلاعات بود که دارای تیراژهای بالا و نفوذ در افکار عمومی بودند و ویژگی هشتم نیز آزادی نسبی بیان و گردش آزاد اطلاعات بود.

جدا از این ویژگی‌های عمومی، باید گفت که غالب نشریات این دوره فاقد استانداردهای حرفه‌ای بودند و به استثنای کیهان، اطلاعات و آیندگان، بقیه بیشتر به شکل بولتن خبری منتشر می‌شدند. مطبوعات حرفه‌ای هم عمدتاً به جریان سکولار تعلق داشتند. در این دوره، عمده مطبوعات، منتقد دولت موقت و سیاست‌های آن و همچنین فاقد عمق دریافت سیاسی بودند، اما تحمل می‌شدند. شمار مخاطبان نشریات در این دوره بالا بود که این مسئله به فضای سیاسی متکثر سال‌های آغازین انقلاب مربوط می‌شود (شمس‌الواعظین، ۱۳۷۹: ۵۴)

اما، این روند در سال‌های بعد به‌ویژه از پاییز ۱۳۵۹ تا تابستان ۱۳۶۷، به دلیل تشدید موج حرکت‌های مسلحانه برخی گروه‌های سیاسی و جنگ تحمیلی کاهش یافت. در مهر و اسفند ۱۳۵۹، تعدادی از نشریات سازمان‌های سیاسی و چند روزنامه تعطیل شدند. به دنبال آن، وزارت ارشاد در فروردین ۱۳۶۰، بر اساس اطلاعیه‌ای مدیران مطبوعات را به تجدید اجازه انتشار نشریاتشان ملزم کرد. در خرداد ۱۳۶۰ نیز به توصیه شورای میانجیگری مطبوعات و حکم دادستانی انقلاب، شش روزنامه و نشریه هفتگی وابسته به گروه‌های مخالف تعطیل شدند. در ادامه نیز در اواخر بهار ۱۳۶۲، تعداد نشریات به ۶۲ عنوان کاهش پیدا کرد. از آن پس، در تهران چهار روزنامه شامل *کیهان*، *اطلاعات*، *جمهوری اسلامی* و *صبح آزادگان* به انتشار خود ادامه دادند. در این زمان، در کنار روزنامه‌های روزانه فقط هشت نشریه هفتگی شامل *سروش*، *جوانان امروز*، *اطلاعات هفتگی*، *راه زینب*، *زن روز*، *امت*، *اتحاد* و *اتحاد مردم* منتشر می‌شدند که سه نشریه آخر هم چندماه بعد تعطیل گردید. از آن پس، تیراژ روزنامه‌ها به شدت کاهش پیدا کرد، به طوری که تیراژ روزنامه‌های *اطلاعات* و *کیهان* که پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر کدام مدتی بیش از یک میلیون نسخه به چاپ می‌رسید، به یک پنجم و حتی کمتر تقلیل پیدا کرد. به عبارتی، در این دوره، مطبوعات با توجه به استراتژی وحدت‌بخش امام خمینی و جلوگیری از تنش‌های سیاسی داخلی و توجه کامل به وضعیت جنگی کشور، نقش تعدیلی یافتند؛ به این معنی که جهت‌گیری مطبوعات، به انعکاس فعالیت‌های به‌اجرا درآمده نظام و تعدیل خواسته‌های شهروندی تغییر پیدا کرد تا از این طریق همبستگی ملی در مقابل دشمن دچار خدشه نشده و از شکاف احتمالی میان مردم و مسئولان در این شرایط کاسته شود. تأکیدهای مکرر امام خمینی در زمینه مقابله با رسانه‌های وابسته و یا تحدید حوزه فعالیتی مطبوعات در این راستا قابل‌ارزیابی است (افتخاری، ۱۳۸۲: ۹۱-۹۲).

در واقع، با توجه به شرایط زمانی و مکانی اوایل انقلاب و فعالیت مؤثر گروه‌های مخالف، حجم زیاد سلاح‌های موجود در بین مردم، تشدید گرایش‌های تجزیه‌طلبانه و کم‌تجربگی مسئولان، مشاهده می‌شود که امام خمینی در دوراهی حفظ نظام و یا گشایش در عرصه جریان آزاد اطلاعات قرار می‌گیرند و در نهایت حفظ نظام را اولویت می‌بخشند و این امر به کاهش آزادی مطبوعات و کارکرد نظارتی آنها منجر می‌شود. بسته‌شدن بعضی مطبوعات دارای نگرش انتقادی شدید، یک‌دست کردن مطبوعات و تعیین حوزه‌های فعالیتی

آنها، نتیجه وضعیت سیاسی حاکم بر این دوره است (همو، ۱۳۸۷: ۴۲). به عبارتی، متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت خاصی پدیدار شد که ویژه دوران گذار بود؛ یعنی فروپاشی سامان سیاسی سابق و عدم تثبیت سامان سیاسی جدید، و نظام جمهوری اسلامی در این دوره برای عبور موفق از آن، برای حصول وحدت و انسجام ملی و انتقال انقلاب اسلامی از شرایط انقلابی، تصمیم به اتخاذ مقابله با نشریات حساسیت‌برانگیز و شدیداً منتقد می‌گیرد تا با کاهش التهاب ناشی از مطالب انتقادی و اعتراضی آنان، همبستگی ملی در راستای مقابله با دشمن بیگانه در جنگ تحمیلی افزایش یافته و نظام اسلامی حفظ گردد (محسنیان راد، ۱۳۷۶: ۲۰۶).

با این حال و به‌رغم تحدید قابل توجه مطبوعات برای ورود به مباحث انتقادی به منظور ایجاد وحدت ملی نسبت به دوره پهلوی، کشور با تمام محدودیت‌هایی که در شرایط جنگ داشت، به رشد کمی و کیفی خوبی در زمینه مطبوعات دست می‌یابد. مطابق نظرسنجی‌های به‌عمل آمده، وضعیت نسبی مطبوعات در سال ۱۳۶۷ به نسبت قابل قبول بوده و از جامعه آماری ۹۹۵ نفری در تهران، ۶ درصد از ۱۴ درصدی که هرگز روزنامه نمی‌خوانده‌اند، اظهار داشته‌اند که روزنامه‌ها خشتی بوده و هیچ‌گونه کارکرد مثبتی ندارند (همان: ۷۶۶).

البته، باید یادآور شد در همین دوران با وجود حضور اندک روزنامه‌های منتقد، روزنامه‌های مانند رسالت منتقد اصلی سیاست‌های دولت موسوی است و اعتراض‌های شدیدی به سیاست‌های اقتصادی دولت دارد. در این شرایط نیز که کشور درگیر جنگ است، این روزنامه توقیف نشده و فقط به دستور امام خمینی از ارسال آن به جبهه‌های جنگ به منظور تخریب‌نشدن روحیه رزمندگان جلوگیری می‌شود. این مسئله از بهبود کند فضای بسته فعالیت مطبوعاتی به مرور زمان حکایت دارد.

باید گفت تشدید محدودیت‌های مطبوعاتی در این دوره به‌رغم عدم تمایل امام خمینی، بیشتر تحت تأثیر رقابت‌ها و مخاصمات سیاسی گروه‌های خواستار قدرت و به‌ویژه برخوردهای خشونت‌آمیز و ترور دسته‌جمعی رهبران سیاسی و مذهبی در سال ۱۳۶۰ صورت گرفت و جنگ تحمیلی و تداوم آن، بر استمرار این روند محدودیت مطبوعاتی تأثیر مضاعف گذاشت.

جدول زیر وضعیت رشد کمی نشریات را در دوره اول نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعداد نشریات در دوره اول جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۸)

سال	مجموع	روزنامه	هفته‌نامه	ماهنامه	فصلنامه	سایر موارد
۱۳۵۹	۲۲۷	۳۵	۱۲۴	۴۷	۹	۱۲
۱۳۶۳	۹۷	۵	۴۳	۳۰	۷	۱۲
۱۳۶۴	۸۹	۷	۳۴	۳۰	۶	۱۲
۱۳۶۶	۱۲۱	۱۱	۳۸	۴۰	۱۷	۱۵
۱۳۶۷	۱۶۳	۱۴	۴۰	۵۵	۳۱	۲۳

منبع: سایت مرکز آمار ایران www.sci.org.ir

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این دوران در سال ۱۳۵۹ تعداد نشریات بسیار بالاست و به‌ویژه روزنامه‌های بسیاری در این دوره منتشر شده‌اند که دارای تکثیر سیاسی بالایی نیز بوده‌اند، اما این میزان به‌مرور کاهش یافته و روند نزولی را تا سال ۱۳۶۴ طی می‌کند. این کاهش با یکدست شدن شدید فضای مطبوعاتی کشور نیز همراه می‌شود. اما در اواخر این دوره، تعداد نشریات روند صعودی می‌گیرد، هرچند به میزان دو سال آغازین انقلاب نمی‌رسد. همچنین در اواخر این دوره، به همراه این سیر صعودی در کمیّت، از روند بسته و محدود فعالیت مطبوعاتی به میزان اندکی کاسته می‌شود.

۲.۴ وضعیت مطبوعات در دوره سازندگی

با پایان جنگ تحمیلی، شرایط تازه‌ای بر کشور حاکم می‌شود که حکایت از تثبیت نظام و ضرورت پرداختن به نیازمندی‌های روزمره شهروندان دارد. انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، اصلاح قانون اساسی و تأیید کلیات سیاست‌های دولت، نشانه اجماع عمومی برای اجرای سیاست‌های مدنظر دولت در زمینه اقتصادی است. در واقع، وضعیت رسانه‌ها و به‌خصوص مطبوعات در این دوره با توجه به این سیاست‌ها و فضای سیاسی حاکم بر کشور قابل تبیین است.

در آغاز این دوره، کاهش شدید سهم هزینه‌های سرمایه‌ای از تولید ناخالص ملی از ۱۷ درصد در ۱۳۵۶ به ۳ درصد در سال ۱۳۶۷، خسارت‌های مالی و جانی جنگ، اُفت درآمدهای نفتی، فقدان سرمایه‌گذاری‌های معتبر خارجی، افزایش کسری بودجه و تورم، مواردی بودند که رفع نیازمندی‌های اقتصادی مردم و توسعه اقتصادی کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. هاشمی بر همین اساس چنین اظهار می‌کند:

من فکر می‌کنم که یکی از کارهای لازم این است که بعد از مشکلات ایجاد شده از جنگ، ما باید به زندگی مردم پردازیم و اقدام به رونق اقتصادی کشور بکنیم (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

بدین ترتیب، در سیاست‌های کلی این دوره، به خواسته‌های معیشتی و اقتصادی شهروندان اولویت داده می‌شود. از آنجاکه بازسازی و رشد اقتصادی در فضایی آرام، ممکن و میسر است و ورود مطبوعات جنجال‌برانگیز و نظارت گسترده آنها بر کلیه عملکردها و نقد و بررسی آنها می‌تواند فضایی انتقادی ایجاد کند که صاحبان سرمایه را دچار شک و تردید کند، دولت تصمیم گرفت تا حد امکان و به نفع رشد اقتصادی، رویکرد انتقادی مطبوعات را محدود کند. به تبع، همین سیاست است که فعالیت‌هایی چون تأسیس نشریات انتقادی، برگزاری مجالس و نشست‌های نقد و ارزیابی و همه اموری که به نحوی سعی در تحلیل انتقادی سیاست‌های رسمی داشتند، به رکود می‌گراید. به عبارتی، رشد این‌گونه فعالیت‌ها آرام شده و از نظر محتوایی نیز در راستای سیاست‌های کلی دولت، مقید به فعالیت‌های انتقادی محدود می‌شوند. طبق یک پژوهش میدانی به عمل آمده در سال ۱۳۷۳، فقط ۵.۸۵ درصد از کل سطح زیر چاپ روزنامه‌ها و ۶.۳ درصد از سطح زیر چاپ کلیه مجلات آن سال را مطالب انتقادی تشکیل می‌دادند. از این میان، فقط ۲۲ درصد روزنامه‌ها و ۴۳ درصد مجلات به طرح مسائل انتقادی در مقولات خاص و جدی اقدام کرده‌اند و در بقیه موارد به مسائل معمولی و عام پرداخته‌اند. به تعبیر دیگر، ۵.۶۳ درصد از سطح زیر چاپ روزنامه‌ها حاوی مطالب انتقادی غیرحساس و ۰.۲۲ درصد به مسائل حساس و جدی مربوط بوده است. در مجلات تخصصی این ارقام به ترتیب ۵.۸۷ و ۰.۴۳ درصد بوده است، که در مجموع مبین سیاست‌های کلی دولت سازندگی برای رشد اقتصادی و ایجاد فضای سیاسی آرام از طریق تحدید فعالیت انتقادی و نظارتی مطبوعات است (محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۷۶۸).

در واقع، برنامه سیاسی دولت برای کاهش سطح انتقادات، پشتوانه عملی‌ای بود که دولت برای توسعه اقتصادی نیاز داشت. نتیجه اتخاذ چنین سیاستی به‌ویژه در دوره دوم دولت سازندگی، به حاشیه‌رفتن مطبوعات منتقد را باعث گردید، به‌گونه‌ای که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان روزنامه‌های پرتیراژ این دوره را به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. مطبوعات محافظه‌کار: رسالت با تیراژ ۳۰۰۰۰ و کیهان ۲۰۰۰۰
۲. مطبوعات چپ‌گرای اسلامی: کار و کارگر با تیراژ ۲۰۰۰۰ و سلام با ۷۰۰۰۰
۳. مطبوعات حامی دولت: همشهری با تیراژ ۳۰۰۰۰۰ و ایران با ۱۰۰۰۰۰ (همان: ۷۷۶).

این نمونه و تیراژ مطبوعات نشان می‌دهد در این دوره، مطبوعات به‌ویژه مطبوعات بااهمیت اغلب سخنگو و بازتاب‌دهنده سیاست‌های رسمی هستند. هرچند در دوره اول دولت سازندگی، شخص رئیس‌جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد وقت بارها بر آزادی مطبوعات در حیطه قانون تأکید می‌کردند، در عین حال مقامات و نهادهایی هرچند غیرمسئول و غیرمرتبط با هم کار خود را انجام می‌دادند.

دو سال آغازین دولت سازندگی، آزادی‌های نسبی مطبوعات در جامعه به دلیل سیاست‌های وزیر فرهنگ و ارشاد وقت رواج داشت و مطبوعات گوناگونی منتشر شدند، اما با استعفای وی این دوره پایان یافت و وضعیت مطبوعات به نسبت محدودتر شد و گفتمان به نسبت واحدی، مطبوعات و صحنه فرهنگی کشور را فراگرفت. هرچند حضور روزنامه‌هایی مانند سلام به مدیرمسئولی محمد موسوی خوئینی‌ها و جهان اسلام به مدیرمسئولی سید هادی خامنه‌ای، به‌عنوان دو روزنامه چپ منتقد، تا حدود کمی از تک‌صدایی در فضای مطبوعاتی جلوگیری کرده بود، با توقیف روزنامه جهان اسلام در سال ۱۳۷۳ به‌واقع فضای تک‌صدایی در مطبوعات مستولی شد و فقط روزنامه سلام به‌عنوان بزرگ‌ترین روزنامه منتقد در صحنه مطبوعاتی باقی‌مانده بود. حتی، سیاست‌هایی مانند حضور دو روزنامه رنگی هم‌شهری و ایران نیز نتوانست تحولی در این فضا ایجاد کند. این دو روزنامه فقط از نظر ظاهری جذاب بودند، به لحاظ محتوایی و جهت‌گیری در راستای حمایت از سیاست‌های دولت عمل می‌کردند.

با طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس پنجم، انتقادهای بسیاری در مطبوعات منتقد دولت برانگیخته شد. برخی در مطبوعات این طرح را نه‌تنها باعث متورم‌شدن مواد قانونی و توجه به مسائل فنی و اجرایی می‌دانستند، بلکه هشدار می‌دادند که طرح یادشده سمت و سویی به شدت تمرکزگرا دارد و در صورت تصویب، حاکمیت جناح و جریان خاصی را بر مطبوعات کشور برقرار می‌سازد. مطبوعات منتقد هشدار می‌دادند که اجرای چنین طرحی جز ترویج خودسانسوری و ایجاد جو سکوت و اختناق برای مطبوعات ثمر دیگری نخواهد داشت و اجرای قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ را که به نسبت باعث رشد کمی و کیفی و البته تدریجی مطبوعات شده بود، کافی می‌دانستند.

با گذشت زمان و نزدیک‌شدن به سال ۱۳۷۶، جدال بین مطبوعات منتقد و مسئولان دولت با شدت و ضعف به‌پیش می‌رفت و از تعداد برخوردها و توقیف‌ها کاسته‌شده بود و روزنامه سلام همچنان به‌عنوان مهم‌ترین روزنامه منتقد دولت به فعالیت خود ادامه می‌داد و

جدا از درج اخبار سیاسی و اقتصادی متفاوت خود، برنامه‌های اقتصادی دولت را نیز به نقد می‌کشید (چگینی، ۱۳۷۷: ۶۱۷-۶۲۴).

نگاهی به کارنامه هشت‌ساله دولت سازندگی نشان می‌دهد که در طول این مدت با تأکید بر توسعه اقتصادی و سیاست تعدیل اقتصادی، نخستین حوزه‌هایی که در محدودیت قرار گرفتند مطبوعات بودند و کارکرد نظارتی آنها نتوانست آن‌چنان که باید و شاید عملی گردد. به عبارتی، در این دوران در عرصه اقتصادی، کثرت‌گرایی و دعوت از سرمایه‌داران برای سرمایه‌گذاری، به یکسان‌سازی و ایجاد فضای تک‌صدایی در مطبوعات و به عبارتی حوزه فرهنگی انجامید و مطبوعات رسمی کشور، گسترش و بسط این فضا را برعهده گرفتند. در واقع، اولویت یافتن اقتصاد می‌طلبید تا نقش انتقادی و نظارتی مطبوعات کاهش یابد و مطبوعات به ایفای نقش اطلاع‌رسانی همسو با دولت محدود گردند. ولی، با این کار فساد اداری و اقتصادی افزایش یافت و رشد توقعات سیاسی جامعه و به‌خصوص قشر جوان در فقدان تنوع مطبوعاتی و رسانه‌ای به‌عنوان سخنگوی جریان‌های مختلف سیاسی و رکود فعالیت حزبی، به دلیل الگوی مورد نظر دولت، پاسخی درخور توجه نیافت (افتخاری، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۸). اما، در کنار این محدودیت‌ها، مطبوعات در نزدیکی انتخابات هفتم ریاست جمهوری نقش مهمی ایفا کردند. نتایج یکی از این پژوهش‌ها در تهران در دو مقطع زمانی قبل از انتخابات، نشان می‌دهد که افراد بیشترین اخبار را از صداوسیما و مطبوعات کسب کرده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که با نزدیک شدن به زمان انتخابات، رجوع به مطبوعات رشد بیشتری نسبت به صداوسیما داشته است (خانیکی، ۱۳۷۷: ۸۷۱).

جدول ۲. طریقه کسب اطلاع از اخبار انتخابات هفتم ریاست جمهوری

مرحله اول ۱۹-۲۲ فروردین	مرحله دوم ۸-۱۰ اردیبهشت	مراجع خبری
۵۳٪	۵۵.۸٪	صداوسیما
۸.۳٪	۱۸.۴٪	مطبوعات
۲.۳٪	۱.۸٪	همکاران
۳.۷٪	۴.۳٪	خانواده
۱.۵٪	۱.۳٪	مدرسه و دانشگاه
۱۹.۱٪	۱۶.۶٪	دنبال نمی‌کنم

این مسئله از تأثیرگذاری مطبوعات در جامعه حتی با وجود محدودیت‌های این دوره حکایت دارد. در واقع، میزان رشد رجوع به مطبوعات در میان مردم، نیاز به ایجاد فضای

مطبوعاتی گسترده‌تر را ایجاد می‌کند. جدا از وضعیت کیفی مطبوعات در این دوره، از نظر کمی تعداد نشریات نسبت به دوره پیشین رشد به مراتب بالاتری را نشان می‌دهد که در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۳. تعداد نشریات در دوره سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

سال	مجموع	روزنامه	هفته‌نامه	ماهنامه	فصلنامه	سایر موارد
۱۳۶۹	۳۴۴	۲۵	۶۳	۱۴۰	۷۶	۴۰
۱۳۷۲	۴۳۷	۲۶	۹۴	۱۵۴	۹۵	۲۲
۱۳۷۴	۶۵۲	۲۹	۱۴۱	۲۱۳	۱۷۰	۲۴
۱۳۷۵	۷۴۹	۳۸	۱۶۲	۲۳۸	۱۹۹	۴۳

منبع: سایت مرکز آمار ایران www.sci.org.ir

این آمار در مقایسه با دوره پیشین (به استثنای سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۹) از افزایش زیاد تولید نشریات حکایت دارد. از نظر تنوع و تفاوت میان مطبوعات نیز اگرچه وضعیت مطلوبی مشاهده نمی‌شود، نسبت به دوره پیشین که شاید تنها روزنامه منتقد، روزنامه رسالت و آن هم در اواخر آن دوران بود، در این دوره روزنامه سلام، جهان اسلام، کاروکارگر و پیام دانشجو به‌عنوان منتقد حضور داشتند؛ هرچند در ادامه دو روزنامه جهان اسلام و پیام دانشجو توقیف شدند، در مجموع در این دوره رشد زیاد به لحاظ کمی و رشد پایین به لحاظ کیفی یا جریان آزاد اطلاعات و فعالیت انتقادی مطبوعات دیده می‌شود.

۳.۴ وضعیت مطبوعات در دوره اصلاحات

دولت اصلاحات دولتی بود که با شعار توسعه سیاسی و ایجاد فضای متنکتر و فراهم‌سازی امکان تضارب عقاید و آرای متنوع سر کار آمد. تلاش دولت اصلاحات از همان آغاز بر آن بود که بتواند خواسته‌های سیاسی نهفته و پاسخ‌نیافته شهروندان را در سال‌های قبل پاسخ دهد. یکی از این خواسته‌ها، گشایش عرصه فرهنگی کشور به‌خصوص در حوزه رسانه‌ای و به‌ویژه مطبوعات بود تا مطبوعات بتوانند کارکرد انتقادی و نظارتی خود را با محدودیت کمتری به انجام برسانند. دولت در این دوره بنا داشت تا با مجال‌دادن به نگرش‌های انتقادی از طریق احزاب، مطبوعات و نهادهای مدنی، راه را برای تمام کسانی که چارچوب کلی نظام را پذیرفته‌اند، باز نماید. این فضا فرصت خوبی برای مطبوعات نیز فراهم ساخت که در زمینه‌های زیر حضوری فعال داشته باشند:

- تشدید فعالیت‌های مبتنی بر اطلاع‌رسانی دقیق به منظور آگاهی‌بخشی به مردم؛
- ورود مطبوعات به امر تحقیق و تفحص و پیگیری امور مختلف اجتماعی؛
- طرح دیدگاه‌های انتقادی نسبت به دولت‌مردان.

انجام این فعالیت‌ها سبب شد که در این دوره بر اساس سیاست‌های دولت، دولت‌مردان اصل را بر پاسخ‌گویی بدانند و تعریف تازه‌ای از قدرت که اصل در آن مسئولیت و پاسخ‌گویی است، ارائه گردد. بر همین اساس نیز نشریات در دوران اصلاحات با کارکردی متفاوت وارد صحنه شدند و علاوه بر اطلاع‌رسانی در زمینه‌های مختلف، اعمال مجموعه‌ی قوای کشور را با رویکرد انتقادی زیر نظر گرفتند و با توجه به فقدان احزاب قدرتمند بسیاری از فضاهاى خالی و حساس را پر کردند (کاشی، ۱۳۸۱: ۹). گسترش و تنوع سریع مطبوعات و بازتاب دیدگاه‌ها و مسائل گوناگون در روزنامه‌ها و نشریات تازه‌تأسیس و همچنین ابراز وجود گروه‌ها و شخصیت‌های گوناگون سیاسی، فضای سیاسی کشور را از انبساط و تنوع چشمگیری برخوردار کرد و طرح مسائل مختلف از سوی مطبوعات زمینه را برای تحول در فرهنگ سیاسی و فضای اجتماعی کشور فراهم آورد و انتظارات بی‌شماری را متوجه دولت کرد. طرح مسائل فکری در مطبوعات این دوره، باعث شفاف‌تر شدن مواضع گروه‌های سیاسی و قطبی شدن آنها شد، به طوری که شکاف فکری میان طرفداران اصلاحات و منتقدان و مخالفان اصلاحات را تشدید کرد (فوزی، ۱۳۸۴: ۳۴۴/۲-۳۴۵).

نگاهی به نوشته‌ها و گفته‌های این دو جریان در مطبوعات کشور علاوه بر مشترکات میان آنها، نقاط اختلافشان را نیز مشخص می‌کند. هر دو طیف خود را پای‌بند اصول، منافع حیاتی و ارزش‌های بنیادی نظام می‌دانند و این نقطه اشتراک هر دو جریان است و طبیعی است مطبوعات که سخنگوی هر دو جریان اصلی کشور هستند، عرضه‌کننده این عقاید و آرا باشند. در این میان، جریان راست یا اصولگرا خود را مدافع اصول و ارزش‌های نظام دانسته و طرف مقابل را به اقدام بر ضد این اصول و ارزش‌ها متهم می‌کند. طرف مقابل نیز خود را پای‌بند اصول اعلام کرده و خواستار اصلاح در بعضی فروع است. نقطه اختلاف این دو جریان از همین جا شروع می‌شود که طیفی که خود را ارزشی و مدافع اصول دانسته، هرگونه اصلاح را تضعیف اصول و ارزش‌ها برمی‌شمرد، درحالی‌که طیف اصلاح‌طلب ضمن اعلام وفاداری به اصول، برخی از مواردی را که طرف مقابل ارزشی و بنیادی می‌داند، این‌گونه نمی‌پندارد و انتقاد از برخی اصول دیگر را موجب قوام و بقای نظام دانسته و طیف ارزشی را به تمامیت‌خواهی و انحصارطلبی متهم می‌کند.

از نظر مطبوعات جریان اصولگرا، موارد یادشده از اصول و مبانی ارزشی جامعه و نظام هستند و هرگونه تعرضی به آنها محکوم است. مطبوعات این جریان بر موارد زیر پای فشرده و مطبوعات جریان مقابل را به تعرض به این اصول محکوم کرده و خواستار برخورد با آنها بودند (آقایی، ۱۳۸۲: ۲۰۱ - ۲۰۲).

از دیگر سو، نگاه به شعارها و محورهای مطالب مطبوعات جریان اصلاح طلب نشان می‌دهد که این طیف به سوی شعارها و ارزش‌هایی متمایل است که اغلب معطوف به منافع ملی کشور و بعد جمهوری و دموکراتیک نظام است؛ از جمله:

- مذموم بودن انحصارطلبی؛

- احترام به حقوق مخالفان؛

- مفید بودن کثرت‌گرایی برای جامعه؛

- مشارکت مردم در همه امور؛

- تأکید بر جمهوریت و مردم‌سالاری؛

- تأکید بر قانون‌گرایی؛

- ایران برای همه ایرانیان؛

- توسعه آزادی‌های مدنی و سیاسی؛

- شفافیت و محرم‌دانستن مردم؛

- تأکید بر چندصدایی به جای تک‌صدایی.

توجه به شعارهای این جریان نشان‌دهنده توجه جریان اصلاح طلب به روش‌هاست تا مبانی و اصول. به عبارت دیگر، آنچه غالب مطبوعات این جریان بیشتر بر آن تأکید می‌ورزند، نفی اصول ارزشی نیست، بلکه ضرورت اصلاح در برخی روش‌هاست که از نظر این جریان موجب بقای اصول یادشده و منافع ملی خواهد بود (همان).

اما، هم‌زمان با ایجاد فضای باز مطبوعاتی توسط دولت، فشارهای خارج از دولت نیز برای جلوگیری از این امر شکل می‌گیرد. این برخوردها نخست تحت‌عنوان توهین به مقدسات به‌عنوان جرم یک‌سری از مطبوعات اعلام گردید، به‌طوری که ابتدا روزنامه جامعه با شکایت سه شاکی که یکی از آنها فرمانده کل سپاه پاسداران بود، به دلیل دیکتاتورخواندن سپاه لغو امتیاز شد. پس از جامعه، روزنامه توس با همان شکل و سیاق جامعه و با همان سردبیران و همکاران منتشر شد که اعتراض‌های بسیاری را از سوی مخالفان دولت برانگیخت. وزارت فرهنگ انتشار توس را مغایر قانون نمی‌دانست، اما سرانجام با رأی

دادگستری تهران این روزنامه نیز توقیف شد. به دنبال این حوادث، پس از مدتی مدیران مسئول راه نو (اکبر گنجی)، توانا، آبان (محمدحسین علیپور) و ایران فردا (عزت‌الله سبحانی) به اتهام توهین به مقدسات به دستور قوه قضاییه انتشار نشریات خود را متوقف کردند. اما، بار دیگر وزارت ارشاد با انتشار بیانیه‌ای رسیدگی به هر نوع جرم مطبوعاتی را به عهده دادگاه مطبوعات دانست که باید علنی و با حضور هیئت منصفه تشکیل شود. این بیانیه اعتراض کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی را به دنبال داشت. با پایان گرفتن تعطیلات تابستانی مجلس پنجم، بعضی از نمایندگان خواستار ادامه فضای باز مطبوعاتی و رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در دادگاه صالحه با حضور هیئت منصفه شدند و بار دیگر رئیس‌جمهور پس از بازگشت از سفر خود به امریکا در سخنانی گفت که کوشش خود را برای قرار گرفتن وضعیت جدید مطبوعات در چارچوب قانون ادامه خواهد داد و موافق تعطیلی هیچ روزنامه یا نشریه‌ای نیست.

هم‌زمان، با اعلام رسمی عده‌ای در مورد رابطه بین افزایش تعداد مطبوعات و توطئه‌های امریکایی، وزارت ارشاد مجوز انتشار چهل نشریه جدید را صادر کرد که نقش مؤثری در جریان آگاهی‌دهی درباره حوادثی مانند قتل‌های زنجیره‌ای داشت. پس از آنکه روزنامه خرداد و صبح امروز در این جریان به خانواده مطبوعات پیوستند، روزنامه زن به دلیل چاپ پیام تبریک نوروزی فرح پهلوی به دستور دادگاه انقلاب توقیف گردید. در اواخر اردیبهشت ۱۳۷۸، فشار بر مطبوعات بیش از پیش شدت گرفت. پس از مدتی، بار دیگر مدیرمسئول چند روزنامه از جمله ایران، آریا، صبح امروز، نشاط و مناطق آزاد به دادگاه مطبوعات یا انقلاب احضار شدند و طرح جدایی روزنامه همشهری به صحن علنی مجلس رسید. در همین زمان، از سوی ۲۱ نفر از نمایندگان مجلس پنجم، پیش‌نویس طرح قانون مطبوعات به مجلس ارائه شد، اما بسیاری از روزنامه‌نگاران طرح جدید را علیه آزادی مطبوعات و در جهت محدود کردن فضای به‌وجودآمده ارزیابی کردند. پس از مدتی با بسته شدن روزنامه سلام و مجرم شناخته شدن موسوی خوئینی‌ها، حادثه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به وقوع پیوست و کشور را دچار چالش کرد.

پس از بسته شدن روزنامه‌های جامعه، توس، نشاط، زن و سلام و مجلات آدینه و جامعه سالم، با راهی شدن عبدالله نوری، مدیرمسئول روزنامه خرداد، به زندان، این روزنامه هم از فهرست مطبوعاتی کشور کنار رفت. اما، گروه این روزنامه به انتشار روزنامه فتح و گروه جامعه با توس و نشاط به انتشار عصر آزادگان مبادرت ورزیدند. با انتشار روزنامه حیات نو

به صاحب امتیازی هادی خامنه‌ای، بیان توسط علی اکبر محتشمی پور و مشارکت به مدیرمسئولی محمدرضا خاتمی، مطبوعات خود را برای انتخابات مجلس ششم آماده کردند. اما، نقطه عطف هشت سال فعالیت مطبوعات در دوران اصلاحات، در بهار ۱۳۷۹ بود. اردیبهشت ۱۳۷۹، قوه قضاییه در یک تصمیم ناگهانی، ۱۲ روزنامه و نشریه را به دلیل ایجاد خطر برای آرامش و امنیت ملی یکجا توقیف کرد (کاشی، ۱۳۸۱: ۲۳ - ۲۷).

دو هفته بعد از توقیف گسترده مطبوعات، روزنامه‌های جدیدی مانند *ایرانیان*، *بهار*، *نوسازی*، *رئی مردم* و *ملت* منتشر شدند که مدت انتشار آنها بسیار کوتاه بود. *ملت* فقط یک روز و *بهار* ده هفته فرصت انتشار یافتند.

در سال ۱۳۷۹، انجمن دفاع از آزادی مطبوعات تأسیس شد و به تبعیض در برخورد با مطبوعات به شدت اعتراض کرد. از آثار توقیف گسترده مطبوعات در سال ۱۳۷۹، کاهش شدید تیراژ روزنامه‌ها بود که این روند تا پایان دولت اصلاحات ادامه داشت، به طوری که تیراژ کل روزنامه‌ها از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه در روز در اوایل دولت اصلاحات به ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نسخه در روز در دوره دوم دولت کاهش یافت. روند برخورد با مطبوعات که در سال ۱۳۷۹ به اوج خود رسیده بود، سرانجام با توقیف روزنامه *دوران* / *مروز* در آخرین روزهای سال و توقیف روزنامه *نوسازی* در بهار ۱۳۸۰ ادامه یافت. در سال ۱۳۸۰، روزنامه *نوروز* به دادگاه رفت و حکم توقیف نشریه *عصر ما* وابسته به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز تأیید گردید. در مجموع در سال ۱۳۸۰، ۱۵ نشریه توقیف موقت یا دائم شدند (همان: ۲۹-۳۲). این امر به روند حرکت محتاط روزنامه‌ها و نشریات طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ منجر گردید و مطبوعات برای جلوگیری از توقیف به محافظه کاری روی آوردند. طرح مباحث جنجالی و حساس نسبت به دوره اول اصلاحات کاهش پیدا کرد. می‌توان این مسئله را در روزنامه‌های معروف اصلاح طلب آن دوره مشاهده کرد؛ به عنوان نمونه، روزنامه *شرق* با گرایش بیشتر روشنفکری، *اعتماد* با گرایش سیاسی متعادل و *آفتاب* یزد با گرایش سیاسی و اجتماعی از روزنامه‌های مهم دوره دوم اصلاحات بودند. هرچند این دوره نسبت به دوره اول، فضای فعالیت مطبوعاتی محدودتر از دوره اول شده بود، نسبت به دوران سازندگی و سال‌های جنگ در حد بسیار مطلوبی قرار داشت.

باید گفت در کنار همه محاسنی که این دوره با ایجاد فضای باز مطبوعاتی در عرصه سیاسی کشور ایجاد کرد و نقد عملکرد دولت مردان به شکل بی سابقه‌ای با جسارت و

قدرت انجام گرفت، سوءاستفاده‌هایی نیز از سوی مطبوعات در این فضای باز انجام شد. در واقع، برخی نوشته‌های مطبوعات به جای طرح مسائل اساسی و معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، بر روی موارد حساسیت‌برانگیز در حوزه مذهب معطوف شده بود و جناح مقابل و نهادهای وابسته به آن نیز از این فرصت برای القای خطری بزرگ از سوی جریان مطبوعاتی کشور استفاده کرده و با مانور گسترده روی این بحث‌ها، دولت را به اباحه‌گری، اجازه به حضور افراد فاسد و جاسوس در مطبوعات متهم می‌کردند. این رفتارهای دوطرفه تأثیر خود را بر کل جریان مطبوعاتی کشور در دوره دوم اصلاحات نشان داد و تا حدودی فضای متکثر سیاسی را به محافظه‌کاری سوق داد. اما، با همه این اوصاف نمی‌توان از تأثیرگذاری مطبوعات در وقایع مهم این دوران مانند غایله قتل‌های زنجیره‌ای و حادثه کوی دانشگاه گذشت. در واقع، بررسی نقش مطبوعات در این دو حادثه، فضای اطلاع‌رسانی مطبوعاتی را در این دوره بازگو می‌کند.

نمونه قابل تأمل از تأثیرگذاری مطبوعات در این دوره، حادثه قتل‌های زنجیره‌ای در کشور بود که نه تنها باعث ایجاد یک بحران جدی در داخل نظام گردید، بلکه تبعات آن مشکلات جدی دیگری را نیز در پی داشت. در این جریان، مطبوعات کشور نقش مهمی بر عهده داشتند و حتی در کشف و افشای عوامل آن پیش قدم گردیدند. نظرسنجی مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی در مناطق ۲۲گانه تهران و با نمونه‌ای بالغ بر ۱۴۴۳ نفر، نقش مطبوعات را در این مورد تا حدودی مشخص می‌کند. بر اساس این تحقیق، به نظر اکثر افراد در صورتی که مطبوعات در این مسئله وارد نمی‌شدند، این قتل‌ها افشا نمی‌شد. همچنین، به نظر اکثر پرسش‌شوندگان در این جریان، مطبوعات بیشترین نقش را در انتشار اخبار مربوط به قتل‌ها داشته‌اند (شمس‌الواعظین، ۱۳۷۹: ۱۶).

جدول ۴. ارزیابی گزاره اگر مطبوعات نبودند، این قتل‌ها افشا نمی‌شد.

نقش مطبوعات	فراوانی	درصد
کاملاً موافق	۲۰۸	۱۴.۴
موافق	۴۵۴	۳۱.۵
بی‌نظر	۳۳۷	۲۳.۳
مخالف	۲۹۸	۲۰.۷
کاملاً مخالف	۱۰۷	۷.۴
بی‌جواب	۳۹	۲.۷

جدول ۵. توزیع نظر پاسخ‌گویان درباره نقش اطلاع‌رسانی رسانه‌ها در اخبار مربوط به قتل‌ها

درصد	فراوانی	رسانه‌ها
۴۵.۵	۶۵۶	روزنامه‌ها
۳۷.۵	۵۴۲	صداوسیما
۱۲.۵	۱۸۰	رادیوهای خارجی
۰.۳	۵	روزنامه و صداوسیما
۰.۱	۱	روزنامه و رادیو خارجی
۰.۱	۱	صداوسیما و رادیو خارجی
۴	۵۸	بی‌جواب
۱۰۰	۱۴۴۳	جمع

اما، حادثه کوی دانشگاه به همراه حوادث ناشی از آن به یک موضوع ملی تبدیل گردید. این حادثه از جمله رویدادهایی است که آشکارا می‌توان در آن، نقش مطبوعات را از چند جهت بررسی کرد:

۱. اطلاع‌رسانی

به دنبال وقوع حادثه حمله به کوی دانشگاه در نخستین ساعات بامداد ۱۸ تیر ۱۳۷۸، صداوسیما از انتشار هرگونه خبری در این مورد تا ساعت ۲۱ همان روز خودداری کرد. این نوع برخورد صداوسیما با حادثه و اطلاع‌رسانی محدود در این زمینه که در چند روز اول این حادثه ادامه داشت، باعث گردید که مطبوعات کشور به تنهایی اطلاع‌رسانی شدیدی را آغاز کنند، به طوری که به طور خاص تیراژ ۲۹ روزنامه خبری - سیاسی سراسری صبح در تیر ۱۳۷۸، حدود ۲۴۷ هزار نسخه در روز افزایش می‌یابد (کمالی، ۱۳۸۲: ۱۷۵). این موضوع بیانگر آن است که محدودیت انتشار اخبار حادثه از صداوسیما و خواست افکار عمومی برای دریافت اخبار ماجرا به خوبی از سوی مطبوعات پاسخ داده می‌شود و دلیل روشنی بر تأثیرگذاری مطبوعات بر افکار عمومی در مورد این حادثه است.

۲. موضع‌گیری مطبوعات

در روزهای اول حادثه، روزنامه‌ها به ویژه روزنامه‌های اصلاح‌طلب به حمایت قاطع از دانشجویانی که به آنها حمله شده بود، پرداختند و یکپارچه خواستار برخورد با عاملان این حادثه شدند. اما، پس از ۲۲ تیر و به دنبال هشدار مقام رهبری مبنی بر اینکه دشمن قصد

سوءاستفاده از این حادثه برای تهدید امنیت ملی دارد، رئیس‌جمهور نیز از دانشجویان خواستند که درخواست‌های خود را قانونی و از راه مسالمت‌آمیز پیگیری کنند؛ مطبوعات نیز نسبتاً یکپارچه بر رعایت آرامش و پیگیری درخواست‌های دانشجویان از راه‌های قانونی تأکید کردند که این امر در بازگشت آرامش به جامعه و افکار عمومی، تأثیر بسیاری داشت (همان: ۱۷۶).

۳. مطبوعات؛ عاملی در ایجاد حادثه

در مورد علت وقوع حادثه کوی دانشگاه تحلیل‌های گوناگونی انجام شده که از جمله آنها می‌توان برخورد نامناسب جناح‌های سیاسی و نیروی انتظامی، دخالت بیگانگان و عوامل آنان، تحت‌الشعاع قراردادن ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و ... را برشمرد (زکریایی، ۱۳۷۸: ۶۶). اما، یکی از تحلیل‌های جالب‌توجه در این مورد، تحلیلی بود که مطبوعات را عامل اصلی حادثه کوی دانشگاه بیان می‌کرد؛ مثلاً، در روزهای پس از حادثه در مورد نقش مطبوعات کشور در این حادثه چنین گفته شد:

- قلم‌به‌دستان مزدور و جریان نفاق عامل اصلی واقعه کوی دانشگاه بودند.

- برخی روزنامه‌ها در حوادث اخیر، عین گفته‌های رسانه‌های بیگانه را تیتراژ کردند.

- روزنامه‌های تازه‌تأسیس در دامن‌زدن به آشوب‌های اخیر نقش عمده‌ای داشتند (کمالی، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

برای ارزیابی عملکرد مطبوعات در این حادثه از دو جنبه سلبی و ایجابی می‌توان این مسئله را بررسی کرد. از دیدگاه سلبی، در طی چند روزی که وضعیت بحرانی ادامه داشت، می‌توان موارد متعددی از تخلفات امنیت ملی را در نوشته‌ها و تیترهای مطبوعات مشاهده کرد؛ مواردی از قبیل:

- تحریک و تهییج دانشجویان با سرعنوان‌ها و تصاویر متحرک؛

- تحریک و تشویق به مقاومت و استمرار اعتراض‌ها؛

- انتساب حوادث خشونت‌بار به یک جناح سیاسی؛

- اتهام طراحی توطئه بر ضد رئیس‌جمهور.

به این ترتیب، از این دیدگاه روزنامه‌ها باعث شدند که یک حادثه محلی به یک بحران ملی تبدیل شود. در واقع، شدت تعارضات جناحی و سیاسی سبب شد که بسیاری از موازین مربوط به امنیت ملی زیر پا گذاشته شود (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

از سوی دیگر، بر اساس دیدگاه ایجابی، نخست آنکه عملکرد ناقص صداوسیما در این حادثه و حوادث مشابه به سبب ضعف اطلاع‌رسانی، برخورد گزینشی با حوادث، توجه به بُعد تبلیغی اخبار، موجب بدبینی و بی‌اعتمادی بیشتر مردم به نظام گردید؛ دوم اینکه محکومیت شدید این واقعه توسط مقام رهبری، رئیس‌جمهور و سایر مقامات کشور، حاکی از مقصربودن ایجادکنندگان آن بوده است و نباید انتظار داشت که مطبوعات در این موارد از حقوق افراد بی‌گناه دفاع نکنند و سرانجام اینکه زیرسؤال رفتن عملکرد بعضی مسئولان، نتیجه اطلاع‌رسانی مطلوب مطبوعات بود که کارکرد نظارتی مطبوعات را در نشان دادن اقدامات نادرست و اصلاح آنها در آینده نشان می‌داد.

نگاهی به این حوادث مهم در کشور از افزایش اثرگذاری کارکرد نظارتی و انتقادی مطبوعات در این دوره نسبت به دوران قبل حکایت دارد که نشان از بهبود در فرآیند توسعه سیاسی از طریق رشد آگاهی جامعه با گشایش در فضای فعالیت رسانه‌ای است. علاوه بر رشد کیفی و کارکردی مطبوعات در دوره اصلاحات که هرچند با فرازونشیب‌های فراوانی روبه‌رو بود، نشریات در این دوره به لحاظ کمی نیز رشد بسیاری داشتند که آمار زیر بیانگر آن است.

جدول ۶. تعداد نشریات در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

سال	مجموع	روزنامه	هفته‌نامه	ماهنامه	فصلنامه	سایر موارد
۱۳۷۷	۹۰۵	۹۷	۱۹۸	۲۵۴	۲۰۷	۱۴۹
۱۳۷۹	۱۲۰۷	۱۱۷	۲۵۹	۳۴۹	۲۹۳	۱۸۹
۱۳۸۱	۱۳۵۰	۱۲۵	۳۳۲	۴۳۲	۵۰۴	۲۸۷
۱۳۸۳	۲۸۱۷	۱۷۷	۶۴۳	۷۸۱	۷۹۰	۴۲۶

منبع: سایت مرکز آمار ایران www.sci.org.ir

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کلاً در دوره اصلاحات، روند توسعه مطبوعات صعودی بوده است و به‌خصوص در دو سال اول و دو سال آخر با شتاب بیشتری رشد کرده است. هرچند در دوره دوم اصلاحات به دلیل فشار وارده بر مطبوعات از سوی قوه قضاییه، مطبوعات فعالیت محتاطانه‌تری نسبت به دوره اول داشتند، همچنان فضای متکثر مطبوعاتی در کشور وجود داشت. به عبارت دیگر، این فضای متکثر آنقدر به شکل گسترده در دوره اول ریشه دوانیده بود که در سال‌های بعدی نیز با اندکی کاهش ولی در همان راستا به فعالیت خود ادامه داد.

در مجموع در این دوران، نقش مطبوعات در اثرگذاری بر دولت‌مردان و همچنین بالابردن حساسیت افکار عمومی روندی مثبت داشت و وجود فضای درگیری و تنش نیز بیشتر به دلیل جدیدبودن چنین فضای باز مطبوعاتی، فقدان احزاب کارآمد و انتقال تعارضات سیاسی از احزاب به سمت مطبوعات بوده است. ولی کلاً، در این دوره مطبوعات مورد توجه اقشار مختلف مردم قرار گرفتند و در حوادث مهم کشور به یکی از مراجع اصلی اطلاعاتی آنها تبدیل شدند؛ مسئله‌ای که به استثنای دو سال آغازین انقلاب در دو دوره قبلی کمتر سابقه داشت.

۵. نتیجه‌گیری

در طی این سه دوره نظام جمهوری اسلامی ایران، وضعیت مطبوعات و فضای اطلاع‌رسانی به لحاظ کمی و کیفی رو به رشد بوده است. از لحاظ کیفی، مطبوعات حرفه‌ای‌تر و سازماندهی شده‌تر شده و افراد تحصیل کرده فراوانی وارد کار مطبوعاتی شدند، که این مسئله بر رشد کیفی آنها در کنار سیاست کلی دولت‌ها در مورد رسانه‌ها، تأثیر بسیاری گذاشته است که این رشد کیفی در دوره سوم نظام جمهوری اسلامی به حد مطلوبی رسید. از لحاظ کمی نیز بر طبق آمار ارائه شده در هر دوره نسبت به دوره قبل، روند صعودی تعداد نشریات مشاهده می‌شود، که این روند افزایشی همراه با فضای متکثر و چندصدایی در نشریات می‌تواند به رشد آگاهی‌های سیاسی جامعه و جلب مشارکت مردمی کمک کرده و به پیشبرد فرآیند توسعه سیاسی در کشور یاری رساند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فاصله کمتر از دو سال جنگ تحمیلی آغاز می‌شود و شرایط خاص سیاسی و اجتماعی را بر کشور حاکم می‌کند. سیاست‌های عدالت‌جویانه دولت و مجموعه نظام و تلاش برای محرومیت‌زدایی نیز آغاز می‌گردد، به نحوی که باعث بهبود نسبی شرایط زندگی در روستاها می‌شود. این مسئله باعث آسان‌تر شدن ارتباط شهرها و روستاها شده و در نتیجه فرآیند مهاجرت عادی در کنار مهاجرت از مناطق جنگی سبب می‌شود در کنار رشد زیاد جمعیت شهری، در سرشماری سال ۱۳۶۵، ایران به کشوری با بافت شهری تبدیل گردد. در کنار گسترش شهرنشینی، روند رو به رشد سواد و آموزش نیز مشاهده می‌شود، البته نه با شتاب رشد شهرنشینی. در واقع، رشد این دو مؤلفه نه به تبعیت از هم بلکه جدا از هم و به تبع سیاست‌های عدالت‌جویانه و آرمان‌گرایانه دولت و همراهی نهادهای مردمی صورت می‌گیرد. جنگ نیز در این دوران عاملی می‌شود که رشد سواد و

آموزش کندتر از رشد شهرنشینی باشد. در واقع، هدف اصلی نظام به همراه مردم، دفاع از کشور و انقلاب در جنگ تحمیلی بود و به همین دلیل اهداف شخصی در اولویت بعد قرار می گرفت. این مسئله را در مشارکت گسترده و حمایتی مردم در دوران جنگ در جبهه و پشت جبهه می توان شاهد بود. جنگ تحمیلی خود به میدانی برای مشارکت سیاسی ملی تبدیل شده بود؛ به همین دلیل با وجود رشد شهرنشینی و سواد در کشور، توجه به اموری مانند تشکیل حزب سیاسی، انتشار روزنامه و فضای رقابتی سیاسی بسیار کمتر بود و در سایه دفاع از کشور قرار گرفته بود. به عبارتی، می توان گفت رشد فرآیند شهرنشینی و سواد هرچند جدا از هم، به دلیل فضای انقلابی و دفاع مقدس، توجه به فضای متکثر سیاسی را به ویژه در عرصه مطبوعات تحت الشعاع قرار داده بود، زیرا اولویت اول کشور در این دوران حفظ موجودیت خود بود.

پس از جنگ تحمیلی و شروع دوران سازندگی، شرایط جدیدی بر کشور از نظر سیاسی و اقتصادی حاکم می شود و توجه هر چه بیشتر به بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم را در اولویت قرار می دهد. اهمیت به توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی در سطح عمومی توانست زمینه‌ای مناسب برای رشد آگاهی‌های مردم به وجود آورد. این امر را می توان در رشد شتابان شهرنشینی، سواد و آموزش عالی در نیمه اول دهه ۷۰ مشاهده کرد. در این دوران، به دلیل ثبات و امنیت نسبی در کشور، به تدریج لایه‌ها و طبقات اجتماعی بر اثر رشد شهرنشینی و آموزش مشخص تر شدند، زیرا در این زمان سیاست‌های دولت در زمینه رشد اقتصادی، افراد جامعه را به تلاش مضاعف برای بهبود وضعیت معیشتی واداشته بود. برخلاف دوران جنگ که طبقات اجتماعی به دلیل سیاست‌های مردم‌گرایانه و توده‌ای در قالب یک تن واحد قرار داشتند و به وضوح قابل تمیز از هم نبودند، در این دوران مرزبندی‌های طبقاتی در قالب عباراتی مانند مرفه و فقیر، بالاشهری و پایین‌شهری شدت گرفت و افزایش تحصیلات قشر جوان جامعه، در پایان این دوره طبقه متوسط قدرتمندی با خواسته‌ها و علایق تازه پدید آورد. اما، دولت نتوانست همپای رشد شتابان شهرنشینی و آموزش، پاسخ‌گوی مطالبات سیاسی و خواسته‌های این قشر جدید باشد و با محدودیت در فضای سیاسی کشور مانند مطبوعات و احزاب، در عمل روندی معکوس در پاسخ‌گویی را برگزید و فضای متکثر سیاسی در عرصه مطبوعاتی رشد اندکی یافت؛ درحالی که شاهد رشد طبقه متوسط در این دوران بودیم.

اما، انتخابات هفتم ریاست جمهوری، پاسخی به این تقاضاها بود. در واقع مشارکت

گسترده در این انتخابات به بهبود سه‌گانه بسیج اجتماعی کمک شایانی کرد. تغییرات اندک و بازشدن محدود فضای به نسبت بسته سیاسی دوران سازندگی که در بیشتر شدن فعالیت مطبوعات در دوران انتخابات هفتم بروز یافت، ارتباط میان سه مؤلفه شهرنشینی، سواد و فضای رسانه‌ای را تا حدودی برقرار کرد. البته، باید یادآور شد افزایش فعالیت مطبوعات ریشه در رقابتی شدن فضای سیاسی و طرح شعارهای تازه و کمتر شنیده شده از سوی نامزد پیروز این انتخابات داشت؛ در غیر این صورت، ارتباط این سه مؤلفه شکل نمی‌گرفت.

اما در واقع، بسترسازی تکمیل روند بسیج اجتماعی در دوران جنگ تحمیلی با رشد سریع شهرنشینی و رشد کندتر سواد آغاز شد. دوران سازندگی رشد این دو مؤلفه را پرشتاب‌تر کرد و همپای این، جمعیت جوان کشور نیز رشد گسترده‌ای یافت. انتخابات هفتم به‌عنوان نقطه عطف، و دوره اصلاحات با گسترش و توسعه فضای فعالیت سیاسی و اجتماعی در حوزه رسانه‌ای و به‌ویژه مطبوعات، این روند را تا حد نسبتاً مطلوبی تکمیل کرد. در واقع، بسیج اجتماعی که در پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفته بود و به دلایل گفته شده پس از انقلاب با مشکلاتی مواجه شده بود، از ۱۳۷۶ به بعد، به مرور با گسترش و تکثر در فضای رسانه‌ای و مطبوعاتی کشور بهبود یافت.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). «ثبات سیاسی رسانه‌ای»، در *رسانه و ثبات سیاسی*، تألیف جمعی از نویسندگان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). «چهره متغیر امنیت داخلی یا رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۴.
- آقایی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). «مطبوعات و امنیت ملی»، در *رسانه و ثبات سیاسی*، تألیف جمعی از نویسندگان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بدیع، برتران (۱۳۸۴). *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، چ ۴، تهران: قومس.
- چگینی، سهیلا (۱۳۷۷). «بررسی پوشش مبارزات انتخاباتی هفتمین دوره ریاست جمهوری در روزنامه‌های سراسر کشور»، *مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران*، تألیف جمعی از نویسندگان، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها.
- خانیکی، هادی (۱۳۷۷). «رسانه‌های کوچک و تحول بزرگ»، *مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران*، تألیف جمعی از نویسندگان، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها.
- دورژه، موریس (۱۳۸۲). *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، چ ۳، تهران: میزان.

- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۵). *اقتصاد ایران*، تهران: امیرکبیر.
- زکریایی، محمدعلی (۱۳۷۸). *هجدهم تیر ۷۸ به روایت جناح‌های سیاسی*، تهران: کویر.
- شمس‌الواعظین (۱۳۷۹). «نظرسنجی قتل سیاسی و امنیت در جامعه»، *مجله رسانه*، س ۹، ش ۲.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۵). *بنیادهای علم سیاست*، چ ۱۴، تهران: نی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵). *مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غلامرضا کاشی، عبدالله (۱۳۸۱). *مطبوعات در عصر خاتمی*، تهران: سلک.
- فراهانی، محمد (۱۳۸۳). *کالبد شکافی توسعه در ایران*، تهران: پرسمان.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). *تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران*، ۲ ج، تهران: عروج.
- کمالی، علی اکبر (۱۳۸۲). «کارکرد امنیتی مطبوعات»، *در رسانه و ثبات سیاسی*، تألیف جمعی از نویسندگان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لرنر، دانیل (۱۳۸۳). *گذار از جامعه سنتی؛ نوسازی خاورمیانه*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۵). *انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۶). *ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مصفا، نسرین (۱۳۷۴). «نتایج انقلاب اسلامی ایران در پرتو نظریات توسعه سیاسی؛ مشارکت سیاسی زنان»، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی.